



مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای

سال پنجم، شماره هجدهم، پاییز ۱۳۹۲

سنجش هویت شهری در شهرهای جدید ایران بر اساس اصول هویت بخش مکتب اصفهان

کرامت اله زیاری: استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران*

موسی پژوهان: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

احمد خلیلی: دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۲، صص ۱۵۴-۱۳۹

چکیده

در دورانی که شهرنشینی سریع و شتابان در مقیاسی عظیم به جریانی غالب در دنیا و بویژه در کشور های در حال توسعه تبدیل شده و سطوح بزرگی از زمین های شهری به زیر ساخت و ساز های شهری می رود همواره یک موضوع اساسی فراموش می شود؛ هویت مندی فضاهای شهری. این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است: یکی تضعیف عناصر و عوامل هویت بخش در طی زمان و با توسعه های جدید و دیگری عدم توجه به محرک های هویتی و عدم بکارگیری شکلی یا معنایی آنها در مقیاس خرد بنا تا کلان بافت. این فقدان در نوسهرها به شکل بارزی نمایان بوده و یکی از عوامل عدم جذب جمعیت در قالب خشک و بیروح بودن آنهاست. هدف اصلی این مقاله بررسی و سنجش این مهم در ۱۰ شهر جدید ایران (بعد از انقلاب) در راستای رسیدن به چارچوبی مفهومی-شناختی در جهت تدقیق این موضوع است. روش تحقیق مبتنی بر روش های کمی و کیفی با استفاده از مدل کمی گولر و روش پیمایش کیفی پرسشنامه ای است. نتایج تحقیق نشان می دهند که شهر جدید بهارستان از منظر سنجه های انتخابی با امتیاز ۶۲ از ۱۰۰ در رتبه نخست قرار داشته و شهرهای اندیشه و پردیس در مکان هایی بعدی قرار دارند. نکته جالب توجه در این تحقیق همسو بودن نتایج پژوهش حاضر با جمعیت پذیری این شهرهاست که نشان می دهد معیارهای انتخاب شده در این تحقیق از نکاتی هستند که در جمعیت پذیری شهرهای هدف در این مطالعه نیز تاثیر گذار بوده اند.

واژه های کلیدی: هویت مندی، شهر جدید، مکتب اصفهان، سنجش، مدل ماتریسی گولر، ایران

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مساله

از نظر اجتماعی شهرها مکانهای مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، اعتلای ارزشهای فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری ارزش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند. بنابراین، هویت در محیط‌های شهری به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات عصر حاضر تبدیل شده است، تاجائی که امروز هرکس به طریقی خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه در چنگال نگرانی بی‌هویتی اسیر است. بی‌هویتی، ناهماهنگی و یکنواختی که امروزه بر فضای شهرها است و به صورت روزافزونی در حال گسترش است، نه تنها سیمای نامطلوب و محیطی نامأنوس را برای ساکنین ایجاد نموده، بلکه تمامی ابعاد زندگی اجتماعی زیست محیطی را در جوامع شهری تحت الشعاع خود قرار داده است، زیرا فرم فیزیکی شهرها در حقیقت هسته جهان اجتماعی است که بر تمامی ابعاد جامعه از اقتصاد گرفته تا زیبایی‌شناختی موثر است. بنابراین یکی از معضلاتی که امروزه در شهرها بطور کلی و در شهرهای جدید بطور خاص دامنگیر آنهاست، معضل هویت شهری و عدم آن در روح و کالبد آنها می‌باشد.

امروزه هویت شهری، هم‌چون حلقه‌ای گم شده است و شهرها نه بر پایه‌ی هویت اصیل خود، بلکه بر پایه‌ی تقلیدهای بدون اندیشه از مظاهر غربی و الگوهای مدرن بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل‌گیری و گسترش‌اند. در واقع دوران مدرنیزاسیون را می‌توان به عنوان سرآغاز گسست و

کمرنگ شدن توجه به ابعاد هویتی شهرها و زندگی اجتماعی شهری در نظر گرفت. شیفتگی به مظاهر غیر بومی به فراموشی سپردن مظاهر اصیل بومی انجامیده است. فقدان آشنایی لازم و نیز فقدان اهمیت به ضرورت وجود الگوهای بومی از این دوره به بعد باعث شده تا در طرحهای توسعه شهری واقعیات بسیاری به فراموشی سپرده شود. از دیگر سو، رواج روزافزون فرهنگ غربی به دلیل احاطه جامعه توسط ابزارهای تکنولوژیک که باعث هجوم گسترده الگوها و فرهنگ ناآشنای غربی شده، باعث شده تا امروزه هویت و ابعاد هویتی از بیرون جسته شود. (بازیابی هویت از بیرون). هویت، در روند ناگزیر جهانی شدن و نفوذ فرهنگ‌هایی که از پشتوانه «تمدن» و «توسعه یافتگی» برخوردارند، دغدغه ملت‌هایی است که از سامانه‌های فرهنگی - تاریخی برخوردار هستند و واقفند که می‌بایست راستای توسعه عمومی خود را با مکنونات فرهنگ جامعه به گونه‌ای سازگار کنند که از طریق ارتقاء آن یارایی مقابله با آثار و تبعات ناخواسته این نفوذ قدرتمند، امکان‌پذیر باشد (زاد رفیعی، ۱۳۸۴: ۱۴). مجموعه عوامل بالا باعث شده تا در عصر پیش رو، خویشتن را گم کنیم؛ به سخن دیگر، خود را در دیگری جستجو کنیم. پس یک انفصال آشکار را بین شهرسازی، فرهنگ، اندیشه و تاریخ به وجود آورده است که این نیز ناشی از همان گسست تاریخی دوران مدرن است. این معضل در شهرهای جدید محسوس‌تر است، زیرا به لحاظ نبود بافت‌های تاریخی در این شهرها، یکی از عوامل مهم تقویت هویت خود به خود حذف می‌گردد و به ناچار می‌بایست از سایر عوامل برای تقویت این این کیفیت بهره گرفت (تختی و وثوقی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). در

• توسعه یک روش شناسی جدید (کاربرد مدل ماتریسی گولر) در سنجش شاخص های منتخب در هویت مندی شهرهای جدید

۱-۳- روش تحقیق

در مطالعه حاضر برای سنجش هویت شهری در شهرهای جدید ایران (۱۰ شهر منتخب در این مطالعه) از روش تحقیق تبیینی - تحلیلی استفاده شده و متدولوژی به کار رفته در این روش جهت سنجش نتایج پرسش نامه های مربوطه، مدل ماتریسی گولر می باشد. به طوری که جهت کاربست این رویه معیارهای هویت بخش شهرسازی مکتب اصفهان به دلیل قرابت مفهومی به اصول هویت شهری در ایران از یک سو و به دلیل پوشش مناسب اصول طراحی شهری با هویت و پایدار از سوی دیگر به عنوان معیارهای مستند سازی شده در این تحقیق به کار بسته شد و سپس بر اساس آنها و به تفکیک ۱۰ شهر منتخب مطالعه ۵۰ پرسش نامه تنظیم شده و در میان صاحب نظران دانشگاهی و حرفه ای توزیع و تکمیل گردید. از بین پرسش نامه های مربوطه ۴۲ پرسش نامه، نهایی شده و مورد آزمون در این مطالعه قرار گرفتند. بدین ترتیب ابتدا با مروری بر متون نظری و چارچوب مفاهیم پایه، مفهوم هویت شهری در ایران و جهان تدقیق یافته و سپس با کاربست معیارهای مورد نظر در شهرهای هدف مطالعه بر اساس مدل ماتریسی گولر، تحلیل های مربوطه انجام گرفته و برآیند محاسبات کمی در قالب یافته های نهایی تحقیق ارائه شده و سپس بحث و نتیجه گیری نهایی تحقیق ارائه گردیده است.

شهرهای ایرانی - اسلامی فرم به تبع معنا تعریف می شود و کالبد هویت خود را از محتوی اخذ می کند و این متأثر از بنیان های نظری هنر معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی است که نسبت قالب و محتوی هم چون نسبت روح و کالبد در بنیادهای جهان بینی آن نیز آشکار است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵). بنابر ضرورت های تاریخی - فرهنگی پیش گفته در یافتن راه حل های اساسی و آتی نگر در مساله هویت مندی در شهرهای جدید کشور سه گام لازم است: اول شناسایی مجموعه عوامل هویت بخش در بطن فراگرد تاریخ ایرانشهرها در راستای تبیین صحیح موضوع، دوم سنجش وضعیت موجود و محاسبه فاصله تا وضعیت مطلوب و سوم یافتن راه حل هایی راهبردی در راستای رسیدن به هویت مندی در فرایند توسعه های شهری جدید از جمله نوشهرها. این مقاله تلاشی است در زمینه گام های اول و دوم تا چارچوبی مفهومی - شناختی در جهت تدقیق این موضوع حیاتی و نیز موازینی برای ارتقاء هویت شهری ارائه دهد.

۱-۲- اهداف تحقیق

- هدف اصلی

هدف اصلی در این مقاله بررسی و سنجش هویت مندی در ۱۰ شهر جدید ایران (بعد از انقلاب) در راستای رسیدن به چارچوبی مفهومی - شناختی در جهت تدقیق موضوع هویت مندی در فضاهای شهری در شهرهای جدی است.

اهداف فرعی

• ارائه مجموعه شاخص های هویت بخش در فضاهای شهری بر اساس یکی از مکتب های شهرسازی بومی و ملی کشور

۱-۴- تبیین معیارهای هدف سنجش هویت شهری
جهت دستیابی به سنجه‌ها و معیارهای مناسبی که بتوان موضوع هویت شهری را در شهر ایرانی (آن هم از نوع جدید) مورد آزمون قرار داد، در اختیار داشتن مجموعه‌ای که بتواند عمده شاخصه‌های هویت بخش (بویژه از بُعد کالبدی-فضایی) را در بر داشته باشد و در عین حال مطابق با شرایط و نیازهای روز شهر ایرانی نیز باشد و همچنین بتوان آنرا در مورد شهرهای جدید با توجه به شرایط خاص آنها (که در بند قبلی اشاره گردید) بکار برد، ضروری است. از سوی دیگر بافت کالبدی و ساختار مکانی-فضایی شهرها یکی از مهمترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی شهری متأثر از اندیشه‌ها، عقاید، باورها، فعالیت‌ها و سطح

فرهنگ جامعه می‌باشد. از اینرو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت آن است که بافت کالبدی امکان‌بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵). در این راستا اصول شهرسازی مکتب اصفهان که از آن به عنوان جنبشی برای احیاء و ابداع مجدد مفهوم شار کهن ایرانی نام می‌برند و بارزترین ترکیب کلامی آن در مجموعه‌های فضایی-کالبدی دیده می‌شود، به منظور سنجش و مدلسازی هویت فضایی-کالبدی شهر مورد مطالعه، مبنا قرار می‌گیرند. اصول مبنای عمل سنجش در جدول شماره ۱ آورده شده‌اند.

جدول ۱- اصول مبنای عمل ارزیابی و سنجش از مکتب شهرسازی اصفهان

اصل	توضیحات
سلسله مراتب	هیچ فضای شهری یا بنایی را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد.
تمرکز	متمرکز شدن فضای شهری متضمن تمایز آن از دیگر فضاهاست.
تجمع	جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان بار مفهومی خاصی بدان می‌بخشد.
اتصال	فضاهای شهری با اتصال به یکدیگر یک مفهوم را در قالبی کلی بیان می‌کنند.
تناسب	رعایت این اصل متضمن زیبایی است.
تداوم	در برگزیده گذشته، حال و آینده است؛ در حال اتفاق می‌افتد، سر در گذشته دارد و پای در آینده می‌گذارد.
ترکیب	تناسب در این اصل موجب به نمایش گذاردن روابط متقابل اجزاء با همدیگر می‌گردد.
استقرار	استقرار بنا در مکانی ویژه بدان ویژگی و هویت خاصی می‌بخشد که در مکانی دیگر فاقد آن است.

منبع: حبیبی، ۱۳۸۴.

۲- مبانی نظری و چارچوب مفاهیم پایه

۲-۲- مفهوم لغوی هویت

هویت یا الهویه کلمه‌ای عربی است. این کلمه از هو یعنی او که ضمیر غایب مفرد مذکر است می‌آید. برخی نظریه پردازان در برابر انگلیسی (Identity) کلمه ترکیبی اینهمانی را بجای هویت متداول عربی

بکار برده‌اند. لینچ معتقد است که هویت اغلب با زندگی دراز مدت در یک محل و همچنین آشنای زیاد حاصل می‌شود که خود موجب ایجاد خاطراتی از آن محل در ذهن ساکنانش می‌گردد (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۶۷). هویت عبارت است از مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی که باعث

برشمرده (زاد رفیعی، ۱۳۸۴: ۱۵). بدین ترتیب می توان هویت شهری را شامل مشخصه هایی دانست که عبارتند از تاریخیست (Historicity)، مکانیست (Locality)، خاطره جمعی، دوره خاص تاریخی، متن روابط اجتماعی عام و خاص و احساس تعلق فردی، خانوادگی، گروهی، قبیله ای، مکانی (شهری و روستایی و محله ای و ملی)، رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، دگرگونی های جامعه ای حقوق و وظایف شهروندی یا فقدان آنها، سطح تکنولوژی، روابط کهنتری و مهتری، جایگاه طبقاتی، روابط بین المللی و جایگاه ملی. هویت شهری از خلال کنش و واکنش عناصر یاد شده و از تضادها و فصول مشترک آنها سر بر می آورد، می بالد، می باید، دگرگون می شود و حاوی وجوه منفی و مثبت متعددی می گردد (پیران، ۱۳۸۴: ۸). بسیاری از صاحب نظران هویت شهری را با تشخیص شهری یکی می دانند و هویت شهری را وجه ممیزه شهری از شهر دیگر می دانند در حالی که در نظریات روانشناسی آنچه را موجب تمایز می شود «شخصیت» تعریف می کنند و نه «هویت». در نتیجه این گروه بی هویتی را ناشی از استانداردگرایی در طراحی فضاها و ساختمانها، تکنولوژی به کار رفته در ساخت و سازها و نوع مصالح به کار گرفته شده و در نتیجه شباهت بیش از اندازه شهرها و فضاهای شهری با یکدیگر تعریف می کنند و دلیل این مدعا را شهرهای سنتی ذکر می کنند که هریک با دیگری متفاوت است و هویتی خاص دارد، به عبارتی هویت آنها حاصل خصوصیات منحصر به فرد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی است (داودپور، ۱۳۸۴: ۲۴)

تشخیص فرد یا شیء از افراد و اشیاء دیگر می گردد. شناسایی و کشف تفاوت های اشخاص و اشیاء از یکدیگر عامل تعیین هویت انسان است (تختی و وثوقی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). به عبارت دیگر هویت مجموعه خصلت هایی است که محلی را از سایر مکانها جدا می سازد، این خصلت ها شامل ویژگی های کالبدی سیما، و منظر و سرزندگی محیط است و با حضور فعالیت و رفتار اجتماعی، کیفیت های اکولوژیک و محیط طبیعی، خاطرات جمعی و دیگر زمینه های کیفی از محیط ادراک می شود و ابعاد کاملتری به مفهوم هویت مکان می بخشد (ذکوات، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

۲-۳- مفهوم تحلیلی هویت شهر

شهر، پدیده ای سرزمینی، تکوین یافته در تاریخ، حاصل فرهنگ و جلوه فضایی نقش های انسان در محیط جغرافیایی است. اولین شهرها زمانی که جوامع ابتدایی از توان تولید، نگهداشت و داد و ستد ارزش افزوده بهره مند شدند، بنا نهاده شدند، لیکن اشکال و روش های مختلف ساخت آنها ضمن آنکه پاسخی است به نیازهای فردی و جمعی ساکنان شهر، برخوردار از ویژگی هایی است که نشان از درک متفاوت جوامع گوناگون از هستی و خلقت نیز دارد. از این رو مجتمع های زیستی همراه با نفس وجودی خود، نقش و مهر فرهنگ سازندگان خود را بهمراه دارند. فرهنگی که به این ترتیب دو وجه مادی و غیرمادی برای آن می توان قائل شد؛ به گونه ای که وسایل، ابزارهای زندگی و کالاهای مادی و شیوه تولید آنها را می توان جزئی از «فرهنگ مادی» و رسوم، اعتقادات، علوم و هنرها و هنجارهای اجتماعی را، اجزاء «فرهنگ غیرمادی» یا «فرهنگ معنوی» (Spiritual Culture) جوامع شهرنشین

تمایزاتی داشته باشند، مانند افراد، این مفهوم توسط تعداد زیادی ویژگی‌ها یا عناصر قابل تعریف ایجاد می‌گردد (Lynch, 1981: 150). نیاز به هویت مکانی توسط رلف^۲ در کتاب پیشروانه اش تحت عنوان مکان و بی مکانی بدین شکل تعریف شده است: نیاز انسانی عمیقی برای همخوانی و پیوند با مکان‌های مهم و پر معنی (هویت بخش) وجود دارد. اگر ما چشم پوشی از این نیاز را انتخاب کنیم و بی مکانی را ادامه دهیم، آینده تنها در محیطی می‌تواند نگه داشته شود که در آن مکان‌ها اهمیتی ندارند. از طرف دیگر اگر ما پاسخ به آن نیاز را انتخاب کنیم و از بی مکانی فراتر رویم، پتانسیلی برای توسعه یک محیط که در آن مکان‌هایی برای بشر وجود دارند که تنوعی از تجربیات انسانی را منعکس و تسهیل می‌نمایند (Oktay, 2002: ۲۶۲). دلایل متعددی برای کوشش در راستای تقویت هویت در اجتماعات شهری وجود دارد؛ انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی، نیاز به حس تعلق، واکنشی در برابر تغییر به عنوان پدیده‌ای خصمانه، نیاز برای تنوع فرهنگی در جهانی که فرهنگ بطور افزاینده‌ای مشابه و یکسان می‌گردد (Chadirji, 1990: 108).

استیل خاطر نشان می‌سازد که تلاش‌های تاریخی جهت ساخت و رونق بخشی به محیط‌ها انجام گرفته است که هرگز نمی‌توانند تکرار و یا تجربه شوند، بطوریکه این میراث‌ها تولیدات ویژه‌ای در زمان‌های خاصی و مجموعه‌ای از نیروها و اراده‌ها هستند. ما می‌توانیم محیط‌ها را طوری شکل دهیم که ساکنان یک حس قوی از مکان از طریق هویت برجسته‌شان، سرزندگی انسانی، پیام‌های نمادین قوی که خاطرات و تمایلات را تهییج کند، ساختار

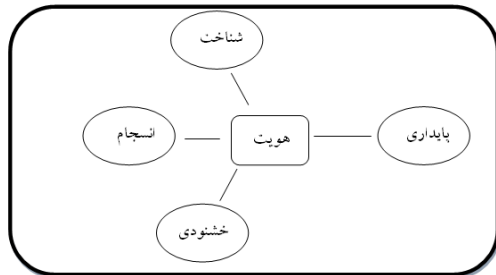
هویت یک شهر هم عینی است و هم ذهنی، عینی از آن نظر که در شهر یکسری نمایه‌های بیرونی مانند معماری، سازه‌ها و خدمات انسانی دیده می‌شود. بخش عمده‌ای نیز ذهنی است و به صورتی که کالبد و فضای شهری در ذهن انسان ایجاد می‌کند مربوط می‌گردد (کرمی، ۱۳۸۴: ۵۳). هویت شهری بستگی زیادی به نگاه به شهرسازی دارد؛ اگر شهرسازی موضوعی در چارچوب فرهنگی نگرینگ شده، شهر تبلور کالبدی فرهنگ است. از آنجا که در هر محیطی بنابر منابع طبیعی، ایدئولوژی و نظام ارزشی مشترک، فرهنگ خاصی می‌تواند بروز و ظهور یابد، بنابراین، هویت‌های مختلف و متمایز بوجود آمده و می‌آیند (براتی، ۱۳۷۲: ۴۲۳). برخی متخصصین با تعریف جامعی از هویت شهری و عناصر و انواع آن به ریشه‌یابی و شناسایی علل وقوع بحران در شهرهای امروزی پرداخته‌اند (به عنوان مثال: Relph, 1976؛ رضازاده، ۱۳۸۵؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ لینچ، ۱۹۸۴؛ Trancik, ۱۹۸۶؛ کالن، ۱۹۷۱ و سایرین). در این راستا و در ادامه به تدقیق مفهوم و مصادیق هویت شهری در ادبیات خارجی و داخلی جهت آگاهی از انواع نگرش‌ها به این مفهوم و مصادیق آن پرداخته می‌گردد.

۲-۴- مفاهیم و مصادیق هویت شهری در جهان

بر اساس فرهنگ وبستر^۱، هویت متمایز کننده ویژگی یا شرایط یک شخص یا یک چیز است. لینچ هویت را به عنوان حوزه‌ای برای آنکه یک فرد می‌تواند یک مکان را از مکان‌های دیگر تشخیص داده یا بیاد بیاورد. مانند افراد، شهرها نیز بایستی ویژگی یا

^۱ Webster New Dictionary
3- Relph

استوار که در آن مردم اجازه یابند تا خودشان را به عنوان یک گروه یا به عنوان اجتماعی که مشخصه های اصلی را سهیم می کند و به سطوح معینی از همبستگی و انسجام اجتماعی رسیده است، ممکن نخواهد بود. ما این را هویت می نامیم (شکل ۱).



شکل ۱- مدل کلی شبکه پایداری هویت شهر

بر اساس نظریه های روانشناسی اجتماعی، این هویت ممکن است از طریق آنچه ترنر^۵ (۱۹۸۷) تشخیص هویت می نامد، (فردی که بر اساس ویژگی ها و ارزش های گروهی خود، خودش را می شناسد) یا از طریق مدل سنتی تمرکز بر فرایندهای انسجام اجتماعی ایجاد گردد. علاوه بر این ما معمولاً فرض می کنیم که کیفیت شهری یک مکان ممکن است در شکل داده هویت کمک کننده باشد (Pol, 2002:11).

۲-۵- مفاهیم و مصادیق هویت شهری در ایران

آنچه که به عنوان هویت ایرانی شهر می توان مطرح کرد، شامل ویژگی ها و ارزش های معماری و شهرسازی سرزمین ایران تا قبل از ورود اسلام به ایران می باشد. این دوره با یکجانشینی دودمانهای ایلی و قبایل، اتحاد آنها و ساخت شهرهای قدیمی آغاز می گردد. "شهر معبد" اولین نوع شهر بود که در سه هزار سال قبل در منطقه ایلام به صورت

هایی که تجربیات افراد را در سلسله مراتب یا الگوهای خاصی شکل دهد. (Steele, 1991:193-199).

از زوایه دید هویت، هر شهر جدیدی نماینده نوعی تدبیر (طرح ریزی) نمادینی است که برنامه ریزان خلق می کنند، آنچه که تصویر فرهنگ نامیده می شود؛ یک معرفی کالبدی از عنصر انسانی که الگوهای عملکردی که فرهنگ را تشکیل می دهد را بیان می نماید. بر اساس یافته های سیو اینگ^۲ در شهرهای جدید سنگاپور، آنچه که به عنوان یکی از نواقص اساسی در عملکرد شهرهای جدید این کشور از دیدگاه ساکنان این شهرها مطرح است، عدم توجه به موضوع هویت شهری و مشخصه ها و تبلورات کالبدی- فضایی آن در این گونه شهرها از سوی برنامه ریزان و طراحان شهرست (Eng, 2000:286).

همچنین در مطالعاتی که گیلگوریجویک^۳ در مورد شهر جدید بلگراد^۴ و ارتباط توسعه آن با هویت انجام داده به این نتیجه رسیده که استفاده از نماد های تاریخی و ویژگی های فرهنگی در هویت بخشی به ساکنان شهر جدید بسیار موثر بوده و این مساله ایست که در توسعه های جدید شهری بایستی توسط توسعه دهندگان و مقامات مسوول برنامه ریزی مورد توجه جدی و ویژه قرار گیرد (Gligorijevic, 2006:9). امروزه به هویت شهری به عنوان یکی از استراتژی های دستیابی به توسعه پایدار بویژه از ابعاد اجتماعی آن نگاه میشود؛ شبکه پایداری هویت شهری (CIS) بر این پیش فرض استوار است که پایداری بدون یک استخوانبندی (بافت) اجتماعی راسخ و

⁵ Turner

² SIEW ENG

³ New Belgrade

⁴ City-Identity-Sustainability

دادند (دهاقانی، ۱۳۸۱: ۲۲۸). در دوره اسلامی نقش مذهبی شهر برجسته تر شده و بر نقش نظامی - اقتصادی آن غالب می‌گردد. در دوره پس از ورود اسلام به ایران، سه عنصر کالبدی عوامل مشخصه شهر در دوران اسلامی را شکل می‌دهند: مسجد، بازار و محله (حبیبی، ۱۳۸۳: ۴۱).

شهر ایرانی - اسلامی در بستر تحولات تاریخی و با همه فراز و فرودها، همگام با شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی و همراه با پیشرفت در دانش و تکنولوژی بومی، هویت کالبدی - فضایی خویش را ایجاد و تکمیل می‌نماید و سبک معماری و شهرسازی ویژه ای را عرضه می‌دارد. مرحله انتهایی این جریان دوره قاجاریه و آغاز روابط نابرابر با دنیای غرب و آغاز تقلیدها کورکورانه و بی برنامه در همه ابعاد حیات اقتصادی - اجتماعی از جمله شهر است که سر آغاز زدودن هویت تاریخی شهر و تقلید صرف از الگوهای خارجی بدون انطباق با شرایط محلی است. با این وجود تا اواسط دهه چهل (یعنی رواج طرح های جامع شهری در شهرهای مختلف کشور) در فرایند نوسازی شهرها هنوز ویژگی های معماری و شهرسازی بومی و محلی در بناها و ساختمانها مشاهده می‌گردد، با رواج طرح های جامع - تفصیلی، بویژه از دهه ۱۳۴۰ به بعد، که کپی برداری از نسخه های غربی بود، این ویژگی ها بدست فراموشی سپرده شد و با الگوهای یکسان کاربری زمین برای تمامی شهرها جایگزین شد.

نکته ای که در مورد هویت شهرهای جدید بطور عام و شهرهای جدید ایران بطور خاص، حائز اهمیت است این است که مساله هویت در این گونه شهرها بدلیل نوپا بودن با شهرهایی که قدیمی بوده و ریشه

زیگورات چغازنبیل بپا شد. اما "شهر دولت" بعدها در دوران مادها و در هگمتانه صورت کالبدی یافت و در تخت جمشید به اوج خود رسید. بافت شهرها از ارگ، محله های مسکونی، انبارها، معابد، دروازه ها و حصارها تشکیل می شده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۲: ۳). بعدها عنصر مهم دیگری به نام بازار همراه با رشد و شکوفایی اقتصادی و تجاری در دل آن جای گرفت.

بطور کلی آنچه که در شهر ایرانی تا قبل از ورود اسلام (در دوره ساسانی) به عنوان نماد و هویت شهری (حداقل از بعد کالبدی - فضایی) می توان از آن نام برد، اجزاء پنج گانه ساختار شهری است که در طی هزاران سال و در همسازی با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و همراه با پیشرفت در دانش و ابزار مادی مردمان این سرزمین شکل گرفته و هر کدام شامل عناصری خاص مانند معبد، حمام، بازار و مانند آن می باشند. این اجزاء پنج گانه عبارتند از: کهندژ، شار میانی، شار بیرونی، بازار و میدان (حبیبی، ۱۳۸۳: ۳۴).

ویژگی های هویتی و کالبدی - فضایی ایرانی شهر چنان همبسته و وابسته به یکدیگر عمل می نمودند که پس از ورود اسلام به ایران نه تنها از بین نرفتند بلکه با ترکیب با جهان بینی اسلامی و جایگزین شدن عناصر جدیدی چون مسجد بجای معابد، شکل گیری هویت جدیدی با فضای کالبدی خاص را سبب می گردند؛ هویت ایرانی - اسلامی. عناصر سه گانه بازار، ارگ و مسجد جامع به همراه محلات اطراف آنها و سایر فضاها مانند آب انبار، یا مدرسه و تکیه که بعدها بوجود آمدند، عناصر و فضاهای شهرهای دوره اسلامی را در ایران شکل

معیارهای مختلف دارد، استفاده شده است. روش ماتریسی گولر، اثرات و پیامدهای آلترناتیوها یا گزینه ها را در واحدهای کالبدی، طبیعی، پولی و زمانی در نظر می گیرد. معیارها و گزینه ها همانند روش فهرست معیارها، به ترتیب در ردیف و ستون ارائه می شوند. هر ردیف ماتریس، نمایانگر یک تاثیر و هر ستون، نمایانگر یک گزینه است. گزینه های مختلف بر اساس معیارهای انتخاب شده، مورد ارزیابی قرار می گیرند. بنابراین، با استفاده از مدل ماتریسی گولر، می توان انواع اثرات کیفی و کمی را به کار گرفت. همچنین این ماتریس به تصمیم گیر اجازه می دهد برای معیارهای مختلف، آنطور که مناسب می داند، وزنی تعیین کند (زبردست، ۱۳۸۰: ۲۴).

در مطالعه حاضر، هر یک از شهرهای نمونه به عنوان یک گزینه قلمداد شده و در ستون های ماتریس مربوطه تنظیم شده است. معیارهای ارزیابی نیز به عنوان نظام سنجش گزینه ها (شهرهای جدید) در ردیف های ماتریس مربوطه آورده شده اند. جدول زیر، الگوریتم وزن دهی مربوطه و برآیند محاسبات مربوط به ۴۲ پرسش نامه صاحب نظران این عرصه را به تفکیک هر معیار نشان می دهد.

تاریخی یا باستانی دارند تفاوت دارد، اگر در شهرهای قدیمی می توان با تقویت کالبدی و بصری عناصر و المان های باارزش تاریخی و هویت بخش و تاکید بر آنها در طراحی ها و برنامه ریزی های شهری، به تقویت هویت شهروندان پرداخت، در شهرهای جدید که فاقد چنین المان هایی هستند، مساله هویت بخشی کمی مشکل ساز می نماید. نوشهرها بدلیل فقدان تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی منبعث از فضا تا مدت ها از هویت یابی محروم اند، تنها زمانی که بسوی شهر متعارف در حرکت باشند بتدریج عناصر هویت بخشی که مهمترین آنها خاطره جمعی است شکل می گیرند. مساله مهم در اینجا این است که بهرحال جمعیتی که بتدریج از نقاط دیگر به این گونه شهر ها می آیند بی تاریخ و بدون فرهنگ و خاطره جمعی نیستند، چنانچه این موضوع آگاهانه مورد بهره برداری قرار بگیرد، فرایند هویت یابی شهرهای جدید تسهیل خواهد شد (پیران، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

۳- تحلیل یافته ها

همچنانکه پیشتر نیز اشاره شد، برای ارزیابی و سنجش هویت شهری در شهرهای جدید ایران، از مدل ماتریسی گولر، به دلیل ویژگیهای مثبتی که این مدل در زمینه ارزیابی گزینه های متعدد بر اساس

جدول ۲- مدل ماتریسی گولر به تفکیک هر معیار و شهرهای هدف مطالعه در شبکه ای از سلولهای متقاطع

شهر جدید معیار	هشتگرد	پردیس	اندیشه	مجلسی	بهارستان	سهند	صدرا	گلپهارد	عالیشهر	مهاجران
اصل وحدت	C	C	D	B	D	B	B	C	B	C
اصل تجمع	D	E	D	B	D	C	A	B	B	C
اصل تباین	B	B	B	C	C	B	A	C	B	B
اصل اتصال	C	C	D	B	D	C	B	B	C	C
اصل تناسب	D	C	C	C	D	B	B	C	B	C
اصل تداوم	B	C	D	C	E	B	B	B	C	C
اصل قلمرو	B	B	B	C	C	C	C	C	C	B
اصل استقرار	C	C	B	C	D	B	B	B	B	C

بندی معیارهای مورد نظر در شهرهای هدف بدین صورت بوده است که بر اساس قوت یا ضعف معیار مورد نظر در مقیاس فاصله‌ای، وزن سنج‌های مربوطه به تفکیک در هر شهر جدید اعمال گردیده است. به عنوان مثال، در ماتریس مربوطه، امتیاز B بیانگر نامناسب بودن معیار مورد نظر در شهرهای مربوطه و معادل کمی دامنه مربوطه در ماتریس فوق عدد ۴ از ۱۰ بوده است. به عبارت دیگر، می‌توان رابطه زیر را مفروض داشت (جدول شماره ۳):

در ماتریس فوق که به صورت سلولهای متقاطع تنظیم شده است، تمامی معیارهای مربوط به فرایند ارزیابی و سنجش هویت شهری در شهرهای جدید ایران در ردیف‌های ماتریس مربوطه همراه با نام شهرهایی که معیارهای فوق در آنها مورد آزمون قرار می‌گیرند در ستون‌های فوق آمده است. بر اساس دامنه‌های ۵ گانه و میزان امتیاز A تا E، ضرایب مربوط به هر معیار در شهرهای هدف تخصیص داده شده و فرایند وزن دهی انجام شده است. اولویت

"جدول ۳- شاخص‌های خروجی جهت محاسبات ماتریس گولر"

Sign	A	B	C	D	E
Distinction	بسیار نامناسب	نامناسب	نسبتاً مناسب	مناسب	بسیار مناسب

کمی ماتریس فوق را به ازای تمامی معیارها و شهرهای جدید اعمال نمود. نمودار شماره ۳ برآیند محاسبات مربوطه را به تفکیک هر معیار نشان می‌دهد.

با در نظر گرفتن رابطه بالا، ماتریس اولیه مربوط به مدل گولر تنظیم شده است. برای بدست آوردن امتیاز نهایی تمامی معیارهای مورد نظر، باید فرایند محاسبه

"جدول ۳- برآیند محاسبات کمی مدل ماتریسی گولر به تفکیک معیارهای اندازه‌گیری"

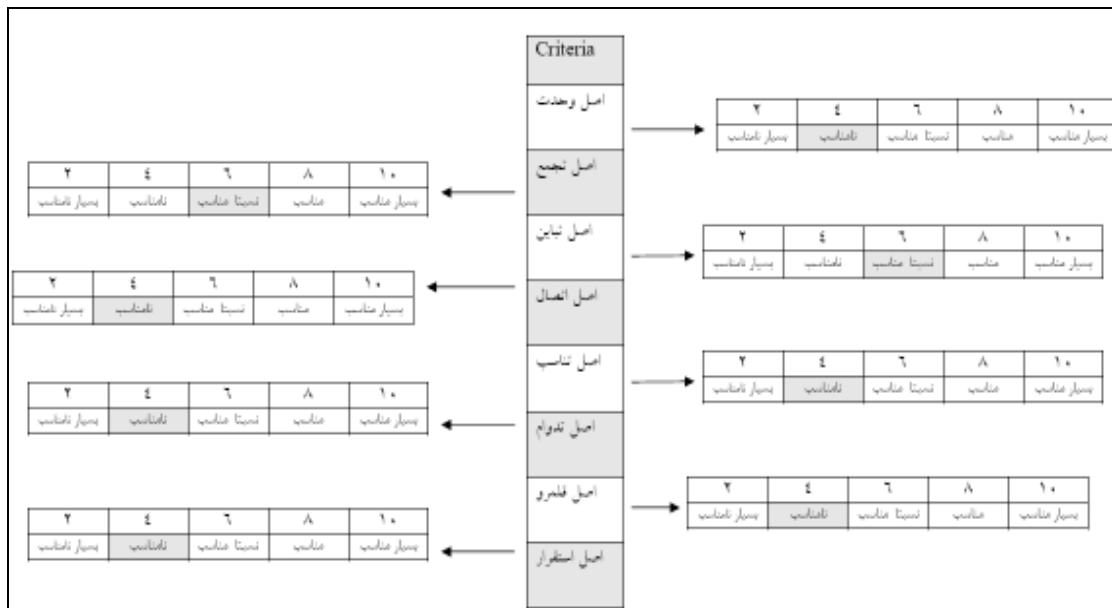
Criteria	Distinction (%)
اصل وحدت	56
اصل تجمع	60
اصل تباین	44
اصل اتصال	58
اصل تناسب	58
اصل تدوام	58
اصل قلمرو	52
اصل استقرار	52

ی شهرهای جدید، دارای وضعیت نسبتاً مناسبی بوده و برخی دیگر دارای وضعیت نامناسبی بوده‌اند. به

همچنان که نمودار فوق نشان می‌دهد، برخی از معیارهای در نظر گرفته شده در سنجش هویت شهر

وضعیت نامناسب، عدد ۶ نشانگر وضعیت نسبتاً مناسب، عدد ۸ بیانگر وضعیت مناسب و در نهایت عدد ۱۰ بیانگر وضعیت مطلوب است. از آنجایی که هیچ معیاری معمولاً تا حد کاملاً مطلوب و یا کاملاً نامطلوب کمتر در نظام برنامه ریزی پدیدار می‌گردد، در این تحقیق نیز برآیند ارزیابی نهایی بین این دو متغیر در نوسان بوده است. نمودارهای مربوطه نتایج تمامی محاسبات معیارهای تحقیق را در یک دامنه نامناسب تا مناسب به تفکیک نشان می‌دهد.

عبارت دیگر، معیارهایی نظیر اصول تباین و تجمع، دارای وضعیت نسبتاً مناسبی هستند. در همین ارتباط، معیارهایی نظیر وحدت، اتصال، تناسب، تداوم، قلمرو و استقرار دارای وضعیت نامناسبی بوده‌اند. شماره ۵ در یک مقیاس فاصله‌ای، تمامی معیارهای مورد نظر در شهرهای مورد نظر را نشان می‌دهد. دامنه در نظر گرفته شده در نمودارهای مربوطه، بر اساس دامنه پنج‌گانه ۲ تا ۱۰ بوده است. عدد ۲ نشانگر وضعیت بسیار نامناسب، عدد ۴ نشانگر



نهایی شهرهای جدید بدین ترتیب بر اساس تلفیق

اصول ۸ گانه حاصل می‌آید:

بدین ترتیب بر اساس مقیاس فاصله‌ای برای تمامی

شهرهای جدید مورد بررسی در نهایت رتبه بندی

"جدول ۴- رتبه بندی نهایی شهرهای جدید بر اساس اصول هویت بخش مکتب شهرسازی اصفهان بر اساس معیارهای

اندازه گیری"

رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شهر	بهارستان	آندیشه	پردیس	هشتگرد	مهاجران	مجلسی	گلپه‌هار	سپند	عالی‌شهر	صدرا
امتیاز نهایی	62	50	48	46	44	42	40	38	38	30

سپرده شود. موضوع هویت در شهرهای جدید از چنان اهمیتی برخوردار است که همانگونه که نتایج تحقیق نیز نشان داد جمعیت پذیری شهر جدید رابطه مستقیمی با آن دارد بگونه‌ای که در شهرهای جدیدی که به این مهم توجهی نشده یا کم توجه شده جمعیت پذیری نیز کمتر بوده است. بر اساس نظر محققان و آگاهان از محور تحقیق و نتایج مدل مشخص گردید که شهر جدید بهارستان بر اساس معیارهای انتخابی مستخرج از اصول شهرسازی مکتب اصفهان بالاترین رتبه را کسب نموده است. به عبارت دیگر برنامه ریزی و طراحی این شهر با اصول هویت بخش الهام گرفته شده از اصول مکتب اصفهان انطباق بیشتری دارد. موفقیت این شهر در دستیابی به اهداف خود در بین شهرهای جدید ایران نیز بر این امر صحه می‌گذارد. با توجه به اینکه یکی از اهداف اساسی تحقیق حاضر ارائه چارچوب و موازینی برای ارتقاء هویت شهری در شهرهای جدید منتخب در این مطالعه است بر این اساس ماتریس تناظری یک به یک برآیند محاسبات مدل گولر مورد کاربست در تحلیل کیفی قرار گرفته و بر اساس آن اصولی برای رسیدن به تصویر مطلوب از معیارهای ۸ گانه فوق مطرح گردیده اند.

۵- پیشنهادها

در پایان می‌توان گفت بسط روش شناسی این مقاله در ارتباط با ابعاد دیگر هویت و همچنین کاربرد آن برای شهرهای دیگر و نیز یافتن راهکارهای اجرایی برای تحقق پذیری موضوع اساسی هویت در شهرها و نوشهرهای امروزی می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی در این حوزه باشد. با توجه به نتایج بدست آمده

همچنان که جدول فوق نشان می‌دهد، شهر جدید بهارستان با امتیاز ۶۲ از ۱۰۰ در رتبه نخست قرار داشته و شهرهای اندیشه و پردیس در مکان‌هایی بعدی قرار دارند. نکته جالب توجه در این تحقیق همسو بودن نتایج پژوهش حاضر با جمعیت پذیری این شهرهاست که نشان می‌دهد معیارهای انتخاب شده در این تحقیق از نکاتی هستند که در جمعیت پذیری شهرهای هدف در این مطالعه نیز تاثیر گذار بوده اند.

۴- نتیجه گیری

هویت و هویت مندی در اجتماعات برنامه ریزی شده در دوران معاصر که رشد شتابان شهرنشینی است محوریتی مهم دارد؛ جمعیتی که قرار است در این سکونتگاههای برنامه ریزی شده سکونت داشته باشد دارای فرهنگ، تاریخ و آداب و رسوم آبا و اجدادی بوده و بویژه این موضوع در ایران از اهمیتی خاص برخوردار است. امروزه هویت شهری، هم چون حلقه‌ای گم شده است و شهرها نه بر پایه هویت اصیل خود، بلکه بر پایه تقلیدهای بدون اندیشه از مظاهر غربی و الگوهای مدرن بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل‌گیری و گسترش اند. در واقع دوران مدرنیزاسیون را می‌توان به عنوان سرآغاز گسست و کمرنگ شدن توجه به ابعاد هویتی شهرها و زندگی اجتماعی شهری در نظر گرفت. شیفتگی به مظاهر غیر بومی به فراموشی سپردن مظاهر اصیل بومی انجامیده است. در واقع فقدان آشنایی لازم و نیز فقدان اهمیت به ضرورت وجود الگوهای بومی از این دوره به بعد باعث شده تا در طرحهای توسعه شهری واقعیات بسیاری به فراموشی

از ارزیابی در شهرهای جدید مورد مطالعه در جدول شماره ۵ چارچوبی در راستای ارتقاء هویت شهری در شهرهای جدید منتخب ارائه شده است که می‌گیرد.

"جدول ۵- ارائه چارچوب و موازین ارتقاء هویت شهری در شهرهای جدید منتخب مورد مطالعه بر اساس مدل گولر"

ردیف	معیار	تدقیق در وضعیت موجود	نیازهای مدل گولر	ضرورت وضعیت مطلوب
۱	ارتقاء هویت (۱)	نظام همگونی که در شهرهای جدید به لحاظ شکل گیری هویتی یگانه شکل گیرد، همانطوریکه بررسی نمونه های آن نشان داد هنوز شکل نگرفته است. عدم برقراری فضاهای شهری قاهر و مسلط بر بافت شهری و نبود وحدت رویه در شکل گیری فضاهای مربوطه به موزونی فضایی و فعالیت های مربوطه آسیب زده و نظام کالبدی را از هم گسخته می سازد.	تجمع	در راستای ایجاد وحدت بخشی فضایی هم به لحاظ رویه ای و هم به لحاظ محتوایی در فضاهای شهرهای جدید باید فضاهای کالبدی عمومی و خصوصی و فضاهای فعالیت در شهرها شناسایی شده و اصول وحدت بخش که کل واحدی را تداعی نماید، شکل گیرد. بر این اساس اجزاء واحد در عین اینکه دانه بندی خاص را در شهر معرف هستند به شکل گیری فضای همگون کلی منجر می گردند.
۲	ارتقاء جمعیت (۲)	تجمع فضاهای شهری مختلف در محدوده خاص و در پهنه ای معین سرزندگی خاص و حیات شهری نیرومندی را در شهرهای جدید پدیدار می کند. بررسی ده نمونه از شهرهای جدید هدف مطالعه نشان می دهد که این موضوع مصداق عینی در شهرهای مورد بررسی نداشته و فقط در برخی از شهرها بر اساس افزایش تراکم و شکل گیری فضاهای تجاری امتیاز نسبتا مناسبی کسب نموده است.	تجمع	تجمع فعالیت ها و فضاها در پهنه معین شهر جدید هویت و احساس حضور در فضاهای همگانی را در ذهن ناظر متبادر نموده و به دلیل استفاده مختلط از فضا، عرصه شهری در عین ناهمگونی به ایفای نقش مردم و ارانه می پردازد و به حضور مردم در چنین فضاهایی دامن می زند. برای رسیدن به چنین موضعی در شهرهای جدید باید یکنواختی فضاهای مسکونی را با ایجاد مراکز محله ای که دارای فضاهای تجمع کالبدی و فعالیتی هستند، تقویت نمود.
۳	ارتقاء تنوع (۳)	این معیار بر اساس روش به کار رفته و امتیازات مربوطه جایگاه نسبتا مناسبی را به خود اختصاص داده است. این موضوع به دلیل وجود گونه های مختلف واحد های مسکونی و در نظر گرفتن تراکم مختلف در نواحی خاص از یک سو و وجود برخی از کاربری های عمومی در فازهای مختلف شهرهای جدید از سوی دیگر بیان شده است. دامنه این اصل در هویت بخشی به شهرها از این شاخص ها فراتر رفته و به فضاهای شهری اشاره دارد که در عین حال که ناهمگونی را در فضای کالبدی پدید می آورد باعث تقویت روابط عملکردی شده و به انسجام فضا در عین اختلاف آن کمک شایانی می نماید	تنوع	در شهرهای جدید اصولی که برای هویت بخشی و خلق فضاهای زنده شهری مورد توجه هستند، اصولی اند که بر مبنای آن نظام خاص و متفاوت از شهرهای مشابه دیگر در شهر خاصی شکل گیرد و بر این اساس شهر مربوطه به مدد آن از شهرهای دیگر متمایز شده و هویت خاص خود را دارا باشد. این موضوع در شهرهای جدید می تواند در عین همسویی با فضا سازی های شهر سازی معاصر از برخی از تناسبات بصری شهر سازی سنتی ایران به لحاظ موقعیت قرار گیری عناصر و برخی فضاهای خاص پیروی نماید. به عبارت دیگر بر اساس با تلفیق عناصر شهری جنبش نوشهر سازی و فضاهای شهری عمومی با قابلیت دسترسی پیاده می توان وزن بیشتری به اصل تباین در شهرهای جدید قائل گردید.
۴	ارتقاء ارتباط (۴)	به دلیل ماهیت و یژه شهرهای جدید این اصل از دو جنبه در شهرهای جدید مورد بررسی دارای امتیاز نامناسبی است. از یک سو به دلیل نوبادون شهرهای جدید گسست کالبدی در فضاهای شهری آنها مشهود بوده و از سوی دیگر به دلیل شکل نیافتن کامل فضاهای مربوطه اصل اتصال فضاهای عملکردی و پوشش مناسب آن بر روی فضاهای کالبدی مربوطه پدید نیامده است. به عبارت دیگر این اصل را علاوه بر اصل اتصال فضایی به عنوان اصل اتصال عملکردی نیز می توان تفسیر نمود که در آن هر فضای شهری به عنوان موزائیکی می گردد که خدمات مناسب پهنه خود را در خود دارد و همسو با فضاهای عملکردی هم پیوند به پویایی فضاهای شهری می انجامد.	ارتقاء	جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در ارتباط با اصل اتصال دو رویه مربوطه را که در وضع موجود کنونی دارای مشکلات خاص است باید اصلاح نمود. به عبارت دیگر از یک سو باید با تدارک استخوانبندی مناسب برای شکل گیری حیات شهری در فازهای توسعه به شکل گیری موزون و هماهنگ و همزمان توسعه کالبدی مدد رساند و از سوی دیگر با اعمال و جانمایی عملکرد های مختلف در فازهای مربوطه به اتصال فضاها و فعالیت ها در فراسوی فضاهای کالبدی کمک نمود. توجه به دو رویه مربوطه به پایداری مکان می انجامد و شهرهای جدید را از فضاهای یکنواختی که با آن در گریزانند، می رهااند.

۵	اصل تناسب	<p>اصل تناسب بر اساس دو وجه تناسب در ساختار و تناسب در محتوا در شهرهای جدید هدف مطالعه دارای مسائل اساسی است. بدین ترتیب که به دلیل نبود تناسب بین ابعاد و اندازه ها، احجام و ساختمانها و نسبت بین فضاهای انباشته و تهی از یک سو، عدم تناسب محتوا در اکثر شهرهای جدید وجود دارد و از سوی دیگر نبود کانسپت های هماهنگ در برخی از فازهای توسعه که آنها را بی هیچ تناسبی همچون جزایری از هم منفک می دارد و باعث انشقاق فضایی می گردد، باعث تضعیف اصل تناسب در شهرهای جدید هدف مطالعه گردیده است.</p>	نسبت	<p>برای تناسب بخشی و ارتقاء وضعیت حاضر شهرهای جدید بر اساس فازهای توسعه خود به جهت مدیریت فضاهای توسعه و ایجاد سازگاری و هم‌نویی در فضاهای کالبدی به ویژه به لحاظ ماهیت معماری آنها باید مورد توجه اساسی قرار گیرند. برقراری ضوابط مربوط به نما و مجاورت های کالبدی ویژه به همراه ایجاد توازن در عارضه های هم سطحی همچون معابر و فضاهای سبز با عوارض فیزیکی نقش مناسبی در این زمینه می تواند داشته باشد. از سوی دیگر تناسب توسعه و یا به عبارتی مدیریت زمین در آنها به ایجاد تناسب رویه در توسعه و گسترش موزون شهر جدید کمک می نماید و از ایجاد و بی فواریگی اراضی با قابلیت کمتر توسعه می کاهد.</p>
۶	اصل تداوم	<p>اصل تداوم در ارتباط با اصل انقطاع معنا و مفهوم خود را باز می یابد. به عبارتی در شهرهای جدید هدف در این مطالعه بیشتر اصل انقطاع نمود یافته است تا اصل تداوم. این موضوع به دلیل نبود پست‌های قدرتمند کالبدی و تکرار آنها در قالب عرصه های عمومی و فضاهای خصوصی از یک طرف و نبود وحدت رویه در توسعه کالبدی فضاهای شهری مناسب در مراکز شهرهای جدید و فازهایی است که هنوز چندان با مشارکت مردمی در زمینه ساخت و ساز روبرو نبوده اند. به عبارتی ضعف مراکز شهرهای جدید به دلیل نبود کردورهای فعالیتی لازم در ارتباط با انتقال فضای زنده و پویای شهری به فازهای مختلف توسعه می باشد.</p>	تناسبات	<p>در راستای ایجاد وحدت رویه و قدرت بخشیدن به اصل پراهمیت تداوم که یکی از اصول اساسی در ایجاد هویت بخشی و سرزنگی مکانی است و دقیقاً اصلی است که بسیاری از شهرهای جدید معاصر به تقویت آن نیاز دارند، اصولاً به دو موضوع فرم و فعالیت باید توجه اساسی مبذول داشته شود. بدین ترتیب که به دلیل گسست کالبدی بسیاری از فضاهای شهری می توان با ایجاد زمینه های تحقق پذیری و ارزیابی قبل از اجرا و حین اجرا به توسعه مطلوب و سازماند مدد رساند و از سوی دیگر با ایجاد کاربری های مختلط و سرمایه گذاری در فضاهای عمومی که به صورت کردورهایی تمامی فضاهای توسعه را در شهر جدید شامل شوند به تداوم حیات شهری دامن زد و به حضور مردم در عرصه های عمومی افزود.</p>
۷	اصل قلمرو	<p>علت اصلی ضعف اصل قلمرو در شهرهای جدید مورد بررسی به دلیل ماهیت مدرنیستی فضاهای توسعه همانند اکثر شهرهای دیگر ایران است که به صورت گسترش لجام گسیخته معابر و ساختمانهای قوطی کبریتی به قلمرو افقی خود می افزایند. این اصل از دوجنبه اساسی در تمامی شهرهای ایران و مخصوصاً در شهرهای جدید هدف در این مطالعه مورد بی توجهی واقع بوده است. جنبه اول، قلمرو ماهیتی بوده و به فقدان کاربست فضاهای ویژه و تدارک قلمرو و عرصه خاص برای آنها به لحاظ کارکردی اشاره دارد که نبود فضاهای عمومی شهری دارای شعاع پوشش مراجعاتی مناسب مصداقی از این قضیه است و جنبه دوم نیز به قلمرو ویژه یا خصوصی تعلق دارد که این موضوع نیز به دلیل نبود حریم های ویژه از مقیاس تک بناها تا محله های مربوطه را در شهرهای جدید شامل می گردد.</p>	نسبت	<p>بر اساس دو اصل قلمرو ماهیتی و قلمرو ویژه یا خصوصی می توان به تقویت این اصل در شهرهای جدید پرداخت. قلمرو ماهیتی به نبود فضاهای عمومی زنده به لحاظ ماهیتی اشاره دارد که این فضاهای عمومی در صورت وجود دارای قلمرو خاص خود بوده و پوشش مناسبی را در شهرهای جدید ایجاد خواهد نمود این فضاهای عمومی می تواند انواع فضاهای شهری را دربرگیرد. گسترش فضاهای خصوصی با قلمرو متفاوت نیز می تواند مهمترین زمینه گسترش اصل قلمرو در شهرهای جدید باشد. این قلمرو از طریق ایجاد محدودیت در سواره با بیشترین اقبال عمومی در محله های ویژه یا کاربری های ویژه که به شکل گیری مجموعه ای منتهی می شوند، می تواند صورت پذیرد. به عنوان مثال می توان با ایجاد کاربری های تجاری ویژه در محدوده خاص در کنار فضاهای تفریحی در مقیاس یک واحد همسایگی و محدودیت دسترسی سواره به این واحد به احیاء اصل قلمرو کمک نموده و به افزایش ارزش ملک و مشارکت بخش خصوصی افزود.</p>

<p>با توجه به اینکه اصل استقرار در مفهوم ساخت شهر و فضاهای مربوطه آن معنا می یابد به طوری که هر جزء بتواند بیشترین نقش را در کل واحد ایفا نماید، بنابراین، باید در کنار تحقق اصولی همچون قلمرو، تداوم و وحدت به ماهیت ویژه هر فضایی نیز توجه نمود و با توجه به پلاتفرم کالبدی و کارکردی آن مکان مناسب آن را در نظر داشت. در اینصورت خواهد بود که سه عنصر فرم، فضا و فعالیت های شهری همسو با هم به تبلور حیات و فضای شهری زنده می انجامند.</p>	۸	اصل استقرار	<p>اصل استقرار را می توان به عبارتی در تلفیقی از اصل های پیشین که ذکر آن رفت جستجو نمود. به دلیل اینکه استقرار بنا در مکان خاص و در فضاهای شهری از دستورالعمل ها و اصول برشمرده پیشین تبعیت می نماید در صورت کاربست اصول مربوطه می توان شاهد عینیت اصل استقرار نیز بود. این موضوع در ۱۰ شهر جدید مورد بررسی در این مطالعه به دلیل امتیاز نامناسب آنها نیز دچار ضعف اساسی بوده است.</p>
---	---	-------------	--

- Hoggs, M., & Abrams, D. (1988). Social identifications. A social psychology of intergroup relations and group processes. London, Routledge & Kegan Paul
- Karami, Zohre. (2005), the speed of urban transformation and identity, Quarterly Abadi, No. 48.
- Khalili, Ahmad and Mohammad Mehdi Azizi (2008), improvement of rural housing projects, Case Study Gilan province, Housing Development Policy Seminar, Ministry of of Housing and Urban Development.
- Lincoln, Y. & Guba, E. (1985). Naturalistic Inquiry. Beverly Hills, CA, Sage.
- Lynch, Kevin (1996), City Image, translation of Hussein Bahrain, Tehran University Press.
- Lynch, Kevin (2003), Theory of good city form, translated by Seyyed Hossein Bahrain, Tehran, Tehran University Press.
- Mojtahed-Zadeh, Naser. (1995), urban planning in Iran, Payam Noor University Press.
- Piran, Parviz (2005): Cities Identity, chirping about the complex concept, Abadi Journal, No. 48.
- Relph, E. (1976), Place and Placelessness, Pion, London.
- Rezazadeh, Razieh (2006), psychological and sociological approach to identity and place in society new towns, Proceedings of the identity of the new cities, new City Development Company, Tehran.
- SIEW E (1996), Character and Identity in Singapore New Towns, Planner and Resident Perspectives, HABITAT INTL. Vol. 20, No. 2, pp. 279-294.
- Takhti, Bitā and Vida Vosoughi (2005), reinforcing the identity of the new towns, new towns set of identity papers, the second book.

منابع

- Anna J and James H (2007), Woodland as a setting for housing-appreciation and
- Bruce R, Mark L and Gabriela V (1994), Place identity, symbols of self in the urban fabric, Landscape and Urban Planning, 28 (1994) 109-120
- Cian O and Denis L (2007), Identity, politics and conflict in dockland development in Cork, Ireland, European Capital of Culture 2005, Cities, Vol. 24, No. 4, p. 311-323, 2007.
- Cullen, Gordon (2003), urban landscape excerpts, translated by Manochehr Tabibian, Tehran University Press.
- Davdpvr, Zohre. (2004), rapid urban development and identity, Quarterly Abadi, No. 48.
- Dehaghani, Naser. (2001), an analysis of the characteristics of urban planning in Iran University of Science and Technology
- Derya, O (2002), The quest for urban identity in the changing context of the city, Cities, Vol. 19, No. 4, pp. 261-271, 2002.
- ENRIC, P (2006), THE THEORETICAL BACKGROUND OF THE CITY-IDENTITY SUSTAINABILITY NETWORK, ENVIRONMENT AND BEHAVIOR, Vol. 34 No. 1, January 2002 8-25
- fear and the contribution to residential satisfaction and place identity in Warrington New Town, UK.
- Habibi, Mohsen (1384), The city without memory, The city without Identity, the internal magazine - New City Community Development Corporation, No. 1, 2, 3, 4.
- Habibi, Mohsen (2004), From Shar To shahr, A historical analysis of the city and its physical image, Tehran University Press, sixth printing.

- Zaklina G (2006), Can new Developments and City Identity grow in Harmony? The Quest for a successful Public Space design for New Belgrade, 42nd ISoCaRP Congress 2006
- Zebardast, Esfandiar (2001), educational pamphlets methods of regional planning (2), School of Architecture, College of Fine Arts, Tehran University.
- Zekavat, Kamran (2006), the identity of the new cities, natural and artificial factors, Proceedings of the identity of the new towns, the second book.
- The Quest for a successful Public Space design for New Belgrade, 42nd ISoCaRP Congress 2006.
- Trancik, R. (1986), Finding Lost Space: Theories of Urban Design, Van Nostrand Reinhold, New York
- Weiss, C. H.(1998), If Program Decisions Hinged Only on Information, A Response to Patton, Evaluation Practice, Vol. 9. No. 3, PP. 15-28.
- Zad Rafiee, Nasser (2004), a social process - an introduction to the understanding of spatial identity and the empowerment of Iranian identity, Abadi Journal, No. 48.



University Of Isfahan

Urban - Regional Studies and Research Journal

Vol. 5 – No. 18 - Autumn 2013

ISSN (online): 2252-0848

ISSN (Print): 2008-5354

<http://uijs.ui.ac.ir/urs>

Assessment of urban identity in the Iranian new towns in base of the Isfahan identity school

K. Zayyari, M. Pazhoohan, A. Khalili

Received: September 13, 2011 / Accepted: April 10, 2012, 31-34 P

Extended abstract

1-Introduction¹

In the term of growth urbanization, especially in developing countries, become a main trend in the world in large scale and huge amount of urban land transform to the urban buildings, always one important thing ignoring: urban spaces identity.

2- Theoretical bases

Urban spaces identity is the most important issue in 21 century in social and physical domain. It is important for tow reason: first weakness of identity-make elements in new development process and second inattention to the identifier motives in development plans from detail scale to massive scale. New towns, specially, lack of this shortage

and unsuccessful in population attraction for this are the main sign.

3- Discussion

The main goal of paper is survey of this subject in ten new towns in Iran (after revolution). new towns in Iran (after revolution) one of the most important policy in urban development process that Affected on urban development and urbanization. Therefore it is important for urban planner and management that be aware from the main current problems that this new towns. One of these problems is town identity and lack of that in case study in this research. Methodology research is combination of quantities and qualitative methods with using of Goular matrix model and questioner technique.

4- Conclusion

The result shows that in final ranking Baharestan new town with 62 prominences of 100 is first based of selected criteria and Andishe and Pardis new towns are next. In

Author (s)

K. Zayyari(✉)

Professor of Geography and Urban Planning, Tehran University, Tehran , Iran

E-mail: Zayyari@ut.ac.ir

M. Pazhoohan

PhD student in Geography and Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran

A. Khalili

PhD in Urban Planning, Tehran University , Tehran , Iran

the other hand town identity in Baharestan new town is strong in compare with the other cases. It caused by several reasons: first optimize urban planning in such new town, second exist of identifier elements and factors that strengthening the town identity in Baharestan. Notable result that population attraction in these new towns has harmony with results of this paper.

5- Suggestions

Based on research result a framework proposed for Promotion of urban identity in the new cities was selected According to Guler model. In this framework using 8 criteria current situation and desired situation survey and optimized policy proposed

Keywords: Identity, new towns, Esfahan

school, Assay, Goular matrix model, Iran

References

Anna J and James H (2007), Woodland as a setting for housing-appreciation and
Bruce .R, Mark L and Gabriela V (1994), Place identity, symbols of self in the urban fabric, *Landscape and Urban Planning*, 28 (1994) 109-120
Cian O and Denis L (2007), Identity, politics and conflict in dockland development in Cork, Ireland, *European Capital of Culture 2005, Cities*, Vol. 24, No. 4, p. 311-323, 2007.
Cullen, Gordon (2003), urban lanscape excerpts, translated by Manochehr Tabibian, , Tehran University Press.
Davdpvr, Zohre. (2004), rapid urban development and identity, *Quarterly Abadi*, No. 48.

Dehaghani, Naser. (2001), an analysis of the characteristics of urban planning in Iran University of Science and Technology
Derya, O (2002), The quest for urban identity in thechanging context of the city, *Cities*, Vol. 19, No. 4, pp. 261-271, 2002.
ENRIC, P(2006), THE THEORETICAL BACKGROUND OF THE CITY-IDENTITYSUSTAINABILITY NETWORK, ENVIRONMENT AND BEHAVIOR, Vol. 34 No. 1, January 2002 8-25
fear and the contribution to residential satisfaction and place identity in Warrington New Town, UK.
Habibi, Mohsen (1384), The city without memory, The city without Identity, the internal magazine - New City Community Development Corporation, No. 1, 2, 3, 4.
Habibi, Mohsen (2004), From Shar To shahr, A htistorical analysis of the city and its physical image, Tehran University Press, sixth printing.
Hoggs, M., & Abrams, D. (1988). *Social identifications. A social psychology of intergroup relations and group processes.* London, Routledge & Kegan Paul
Karami, Zohre. (2005), the speed of urban transformation and identity, *Quarterly Abadi*, No. 48.
Khalili, Ahmad and Mohammad Mehdi Azizi (2008), improvement of rural housing projects, Case Study Gilan province, Housing Development Policy Seminar, Ministry of of Housing and Urban Development.
Lincoln, Y. & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry.* Beverly Hills, CA, Sage.
Lynch, Kevin (1996), *City Image*, translation of Hussein Bahrain, Tehran University Press.

- Lynch, Kevin (2003), *Theory of good city form*, translated by Seyyed Hossein Bahrain, Tehran, Tehran University Press.
- Mojtahed-Zadeh, Naser. (1995), *urban planning in Iran*, Payam Noor University Press.
- Piran, Parviz(2005): *Cities Identity, chirping about the complex concept*, Abadi Journal, No. 48.
- Relph, E. (1976), *Place and Placeless ness*, Pion, London.
- Rezazadeh, Raziéh (2006), *psychological and sociological approach to identity and place in society new towns*, Proceedings of the identity of the new cities, new City Development Company, Tehran.
- SIEW E (1996), *Character and Identity in Singapore New Towns, Planner and Resident Perspectives*, HABITAT INTL. Vol. 20, No. 2, pp. 279-294.
- Takhti, Bitá and Vida Vosoughi (2005), *reinforcing the identity of the new towns, new towns set of identity papers, the second book*.
- The Quest for a successful Public Space design for New Belgrade, 42nd ISoCaRP Congress 2006.
- Trancik, R. (1986), *Finding Lost Space: Theories of Urban Design*, Van Nostrand Reinhold, New York
- Weiss, C. H.(1998), *If Program Decisions Hinged Only on Information, A Response to Patton*, Evaluation Practice, Vol. 9. No. 3, PP. 15-28.
- Zad Rafiee, Nasser (2004), *a social process - an introduction to the understanding of spatial identity and the empowerment of Iranian identity*, Abadi Journal, No. 48.
- Zaklina G (2006), *Can new Developments and City Identity grow in Harmony? The Quest for a successful Public Space design for New Belgrade*, 42nd ISoCaRP Congress 2006
- Zebardast, Esfandiar (2001), *educational pamphlets methods of regional planning (2)*, School of Architecture, College of Fine Arts, Tehran University.
- Zekavat, Kamran (2006), *the identity of the new cities, natural and artificial factors*, Proceedings of the identity of the new towns, the second book.

